

بررسی عوامل موثر بر کاهش علاقه دانش آموزان بر مطالعه و راهکارهای افزایش انگیزه کتابخوانی

سمیرا بهشتی^۱، راضیه نوری^۲، لیلا رازانی^۳، مهین عباسی محمد آباد^۴

۱- کارشناس ارشد، آسیب شناسی و حرکات اصلاحی (تربیت بدنی)، دانشگاه تهران

۲- کارشناسی، زبان و ادبیات فارسی، پردیس زینب کبری اراک

۳- کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش،

۴- کارشناسی، روانشناسی، پیام نور



MDOI-02-2026.0335
MNR-349-2-9506C0

چکیده

مطالعه و کتابخوانی از مهم ترین فعالیت های مؤثر بر رشد علمی، شناختی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان به شمار می رود، اما کاهش علاقه و انگیزه آنان به مطالعه در سال های اخیر به یکی از چالش های مهم نظام آموزشی تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه و شناسایی راهکارهای افزایش انگیزه کتابخوانی انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. در این مطالعه، عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای، فناوری های دیجیتال و ویژگی های محتوایی کتاب ها مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها نشان داد که پایین بودن انگیزه، ضعف مهارت خواندن، دشواری متون، عادت های مطالعاتی نامناسب، کمبود حمایت و الگوی مطالعه در خانواده، روش های آموزشی نامناسب، محدود بودن فرصت مطالعه آزاد در مدرسه و جذابیت سرگرمی های دیجیتال از مهم ترین عوامل کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه هستند. همچنین مشخص شد که انتخاب کتاب متناسب با سن و علایق دانش آموز، ایجاد محیط مناسب برای مطالعه، حمایت خانواده، نقش فعال معلم، توسعه کتابخانه های مدرسه، فراهم کردن فرصت انتخاب و استفاده هدفمند از فناوری می تواند در افزایش انگیزه کتابخوانی مؤثر باشد. بر اساس نتایج، افزایش علاقه به مطالعه نیازمند همکاری خانواده، مدرسه و نهادهای فرهنگی و تبدیل مطالعه از فعالیتی اجباری به تجربه ای لذت بخش، انتخابی و معنادار است.

کلمات کلیدی: مطالعه، کتابخوانی، انگیزه مطالعه، دانش آموزان، فرهنگ مطالعه

۱. مقدمه

مطالعه و کتابخوانی یکی از مهم ترین فعالیت های فرهنگی و آموزشی در دوران کودکی و نوجوانی به شمار می رود و نقش قابل توجهی در شکل گیری شخصیت، رشد فکری و توسعه توانایی های شناختی دانش آموزان دارد. کودک از طریق مطالعه با مفاهیم، تجربه ها، اندیشه ها و دیدگاه هایی آشنا می شود که ممکن است در زندگی روزمره فرصت مواجهه مستقیم با آنها را نداشته باشد. کتاب می تواند افق فکری دانش آموز را گسترش دهد و زمینه ای برای شناخت بهتر خود، دیگران و جهان پیرامون فراهم آورد. از این



رو، میزان علاقه دانش آموزان به مطالعه را نمی توان صرفاً به عنوان یک رفتار آموزشی ساده در نظر گرفت، بلکه باید آن را بخشی از فرایند رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی آنان دانست.

مطالعه منظم می تواند زمینه افزایش دانش و اطلاعات عمومی دانش آموزان را فراهم کند و در عین حال توانایی آنان را در تفکر، تحلیل، مقایسه و نتیجه گیری ارتقا دهد. دانش آموزی که به مطالعه علاقه مند است، معمولاً فرصت بیشتری برای مواجهه با واژگان، ساختارهای زبانی و شیوه های مختلف بیان پیدا می کند و این امر می تواند به تقویت مهارت های خواندن، نوشتن، سخن گفتن و درک مطلب منجر شود. همچنین مطالعه داستان ها و آثار ادبی، کودک را با موقعیت ها و شخصیت های گوناگون روبه رو می کند و می تواند در رشد تخیل، خلاقیت، همدلی و درک دیدگاه دیگران نقش داشته باشد. بنابراین، کتاب خوانی تنها وسیله ای برای کسب اطلاعات درسی نیست، بلکه ابزاری برای رشد همه جانبه دانش آموز محسوب می شود.

با وجود اهمیت فراوان مطالعه، در سال های اخیر توجه به کاهش علاقه برخی دانش آموزان به کتاب و فعالیت های مطالعاتی افزایش یافته است. بسیاری از دانش آموزان مطالعه را بیشتر به عنوان تکلیفی مدرسه ای و اجباری تجربه می کنند و کمتر به سراغ کتاب هایی می روند که صرفاً برای علاقه و لذت شخصی انتخاب شده باشند. کاهش زمان اختصاص یافته به مطالعه آزاد، بی میلی نسبت به مراجعه به کتابخانه، ترجیح سرگرمی های دیگر و وابستگی بیشتر به محتوای سریع و تصویری از جمله نشانه هایی هستند که می توانند بیانگر کاهش علاقه به مطالعه باشند. این وضعیت ضرورت بررسی دقیق تر عوامل مؤثر بر شکل گیری و تداوم چنین روندی را آشکار می سازد.

کاهش علاقه به مطالعه معمولاً حاصل یک عامل واحد نیست، بلکه مجموعه ای از عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی می توانند در ایجاد آن نقش داشته باشند. ویژگی های شخصیتی دانش آموز، میزان انگیزه، توانایی خواندن، سطح درک مطلب، اعتماد به نفس و تجربه های قبلی او از مطالعه، از جمله عوامل فردی مؤثر بر علاقه به کتاب خوانی هستند. دانش آموزی که در خواندن متن های دشوار با مشکل مواجه می شود یا تجربه های ناموفق و همراه با فشار از مطالعه داشته است، ممکن است به تدریج مطالعه را فعالیتی دشوار و خسته کننده تلقی کند. در مقابل، تجربه موفقیت و لذت در خواندن می تواند انگیزه دانش آموز را افزایش دهد و او را به ادامه این فعالیت تشویق کند.

خانواده نیز یکی از نخستین و مهم ترین محیط هایی است که نگرش کودک نسبت به کتاب و مطالعه در آن شکل می گیرد. کودکان از رفتار والدین خود تأثیر زیادی می پذیرند و مشاهده مطالعه والدین، گفت و گو درباره کتاب و دسترسی به منابع مطالعاتی می تواند نگرش مثبتی نسبت به کتاب خوانی ایجاد کند. در خانواده ای که مطالعه جایگاه مشخصی دارد و کودک برای انتخاب و خواندن کتاب مورد علاقه خود مورد حمایت قرار می گیرد، احتمال شکل گیری عادت مطالعه بیشتر است. در مقابل، نبود کتاب در محیط خانه، کمبود زمان، بی توجهی به مطالعه یا تأکید افراطی بر نتایج درسی ممکن است علاقه کودک به مطالعه آزاد را کاهش دهد.

مدرسه و معلم نیز نقش مهمی در شکل گیری نگرش دانش آموزان نسبت به مطالعه دارند. شیوه معرفی کتاب، نوع فعالیت های مطالعاتی، فرصت استفاده از کتابخانه، برنامه های فرهنگی و نحوه برخورد معلم با مطالعه می تواند تجربه دانش آموز از کتاب را مثبت یا منفی کند. اگر مطالعه فقط در قالب پرسش و پاسخ، امتحان و تکلیف ارائه شود، ممکن است جنبه لذت بخش و اختیاری آن برای دانش آموز کم رنگ شود. در مقابل، استفاده از روش هایی مانند معرفی کتاب، قصه گویی، گفت و گو درباره داستان، فعالیت های گروهی و فرصت انتخاب آزاد کتاب می تواند مطالعه را به تجربه ای جذاب و معنادار تبدیل کند.



یکی دیگر از عوامل مهم در کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه، تغییر الگوی سرگرمی و گسترش فناوری های دیجیتال است. تلفن همراه، بازی های رایانه ای، محتوای تصویری و شبکه های اجتماعی بخش قابل توجهی از زمان فراغت بسیاری از کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده اند. جذابیت بصری، سرعت ارائه محتوا و امکان دسترسی فوری به انواع سرگرمی ها باعث شده است که مطالعه کتاب در رقابت با این فعالیت ها با چالش بیشتری مواجه شود. البته فناوری را نمی توان صرفاً عاملی منفی دانست، زیرا در صورت استفاده صحیح می تواند به معرفی کتاب، دسترسی به منابع الکترونیکی و ایجاد فعالیت های نوین کتابخوانی کمک کند.

محتوای کتاب ها و میزان تناسب آن ها با ویژگی ها و علایق دانش آموزان نیز در شکل گیری انگیزه مطالعه اهمیت دارد. کتابی که از نظر موضوع، زبان، حجم، تصاویر و شیوه ارائه با سن و نیازهای کودک هماهنگ باشد، می تواند تجربه خواندن را جذاب تر کند. در مقابل، کتاب هایی که بیش از اندازه دشوار، طولانی یا دور از علایق و تجربه های دانش آموز هستند، ممکن است احساس خستگی و بی علاقه ای ایجاد کنند. از این رو، انتخاب کتاب مناسب باید با شناخت ویژگی های رشدی، علایق، نیازها و توانایی های دانش آموز همراه باشد.

یکی از مسائل اساسی در این زمینه، توجه به تفاوت های فردی میان دانش آموزان است. همه کودکان از یک نوع کتاب یا شیوه مطالعه لذت نمی برند و ممکن است علایق آن ها در حوزه های داستانی، علمی، تاریخی، هنری، تخیلی یا آموزشی متفاوت باشد. بنابراین، ارائه یک شیوه ثابت برای همه دانش آموزان نمی تواند همیشه نتیجه مطلوبی داشته باشد. ایجاد فرصت انتخاب و اجازه دادن به دانش آموز برای تجربه کتاب های مختلف می تواند به کشف علایق شخصی و شکل گیری انگیزه درونی کمک کند.

انگیزه مطالعه نیز یکی از مفاهیم اساسی در بررسی رفتار کتابخوانی دانش آموزان است. انگیزه می تواند درونی یا بیرونی باشد؛ انگیزه درونی زمانی شکل می گیرد که فرد از خود فعالیت مطالعه لذت می برد و انگیزه بیرونی زمانی ایجاد می شود که مطالعه برای دریافت پاداش، کسب نمره یا جلب رضایت دیگران انجام می شود. هرچند عوامل بیرونی می توانند در آغاز کودک را به مطالعه تشویق کنند، تداوم عادت مطالعه بیشتر به علاقه و انگیزه درونی وابسته است. بنابراین، یکی از اهداف مهم برنامه های ترویج کتابخوانی باید حرکت از اجبار به سمت علاقه و انتخاب آگاهانه باشد.

کاهش مطالعه می تواند پیامدهایی فراتر از کاهش تعداد کتاب های خوانده شده داشته باشد. ضعف در عادت مطالعه ممکن است فرصت دانش آموز برای گسترش دایره واژگان، تقویت درک مطلب، توسعه دانش عمومی و آشنایی با دیدگاه های مختلف را محدود کند. از سوی دیگر، استمرار در مطالعه می تواند دانش آموز را به تفکر، پرسشگری و تحلیل مطالب تشویق کند و زمینه رشد مهارت های ذهنی را فراهم آورد. به همین دلیل، توجه به کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه تنها یک مسئله فرهنگی نیست، بلکه موضوعی مرتبط با فرایند تعلیم و تربیت و آینده علمی و اجتماعی آنان نیز محسوب می شود.

ضرورت بررسی این مسئله از آنجا ناشی می شود که علاقه به مطالعه معمولاً در سال های اولیه زندگی شکل می گیرد و تجربه های کودک در خانواده و مدرسه می تواند بر استمرار این عادت در سال های بعد اثر بگذارد. اگر دانش آموز مطالعه را فعالیتی جذاب و لذت بخش تجربه کند، احتمال بیشتری وجود دارد که در دوره های بعد نیز به کتاب و منابع مطالعاتی مراجعه کند. در مقابل، تجربه مطالعه همراه با اجبار، فشار و بی توجهی به علایق فردی ممکن است نگرش منفی نسبت به کتاب ایجاد کند.

بر این اساس، شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه می تواند نخستین گام برای برنامه ریزی مؤثر در زمینه ترویج فرهنگ کتابخوانی باشد. شناخت موانع فردی، خانوادگی، مدرسه ای، اجتماعی و فناورانه کمک می کند تا راهکارها به جای



ارائه توصیه های کلی، بر اساس شرایط واقعی دانش آموزان طراحی شوند. همچنین توجه به نقش معلمان، والدین، مدیران مدارس و سیاست گذاران آموزشی می تواند زمینه ایجاد برنامه ای هماهنگ برای تقویت انگیزه مطالعه را فراهم کند.

از سوی دیگر، افزایش انگیزه کتاب خوانی نیازمند تغییر نگاه به مطالعه است. مطالعه نباید صرفاً فعالیتی برای موفقیت در امتحان یا افزایش نمره تلقی شود، بلکه باید به عنوان تجربه ای برای لذت، کشف، یادگیری و رشد فردی معرفی شود. استفاده از کتاب های جذاب، فعالیت های گروهی، معرفی آثار متناسب با سن، گفت و گو درباره کتاب، قصه گویی، ایجاد کتابخانه های کلاسی و دادن فرصت انتخاب به دانش آموزان می تواند در این زمینه مؤثر باشد. همچنین استفاده هدفمند از فناوری های نوین می تواند کتاب و مطالعه را به تجربه ای متناسب با دنیای امروز کودکان و نوجوانان تبدیل کند.

در نهایت، مسئله اصلی این پژوهش آن است که کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه تحت تأثیر چه عواملی شکل می گیرد و چگونه می توان با شناسایی این عوامل، زمینه افزایش انگیزه و مشارکت آنان در کتاب خوانی را فراهم کرد. پاسخ به این پرسش می تواند به والدین و معلمان کمک کند تا شیوه های مؤثرتری برای تشویق دانش آموزان به مطالعه انتخاب کنند و محیطی ایجاد نمایند که در آن کتاب خوانی از یک فعالیت اجباری به یک انتخاب آگاهانه و لذت بخش تبدیل شود. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه و شناسایی راهکارهای افزایش انگیزه کتاب خوانی انجام می شود تا بتواند تصویری روشن تر از موانع موجود و راه های مقابله با آن ها ارائه دهد.

۲. مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

مفهوم مطالعه و کتاب خوانی

مطالعه یکی از مهم ترین فرایندهای یادگیری و کسب تجربه در زندگی انسان است و به فعالیتی گفته می شود که فرد از طریق آن به دریافت، درک، تفسیر و سازمان دهی اطلاعات می پردازد. مطالعه می تواند از طریق کتاب، مجله، متن های آموزشی، منابع دیجیتال و سایر مواد نوشتاری انجام شود. در دوران کودکی و مدرسه، مطالعه یکی از ابزارهای اصلی دسترسی دانش آموز به دانش و تجربه های جدید است و می تواند زمینه رشد توانایی های شناختی و زبانی او را فراهم کند. از این منظر، مطالعه تنها خواندن مجموعه ای از واژه ها نیست، بلکه فرایندی فعال است که در آن دانش آموز میان اطلاعات جدید و دانسته های قبلی خود ارتباط برقرار می کند (کیر و همکاران، ۲۰۱۹).

کتاب خوانی را می توان شکلی از مطالعه دانست که در آن فرد به صورت هدفمند یا آزادانه به خواندن کتاب می پردازد. کتاب خوانی می تواند با هدف یادگیری، کسب اطلاعات، سرگرمی، تجربه ادبی، افزایش دانش عمومی یا پاسخ به نیازهای شخصی انجام شود. در مورد کودکان، کتاب خوانی علاوه بر تقویت مهارت خواندن، می تواند فرصتی برای تخیل، تجربه عاطفی و آشنایی با موقعیت های اجتماعی مختلف ایجاد کند. کتاب داستان کودک را با شخصیت هایی مواجه می کند که ممکن است از نظر تجربه و شرایط زندگی با او متفاوت باشند و همین مسئله می تواند زمینه گسترش نگاه او به جهان را فراهم سازد (نیکولس و همکاران، ۲۰۱۹).

مطالعه آموزشی معمولاً با هدف یادگیری یک موضوع مشخص و دستیابی به اهداف درسی انجام می شود و ممکن است با تکلیف، امتحان یا ارزیابی همراه باشد. در مقابل، مطالعه آزاد بیشتر بر انتخاب شخصی، علاقه و لذت فرد از خواندن تأکید دارد. دانش آموز در مطالعه آزاد می تواند کتاب مورد علاقه خود را انتخاب کند و بدون آنکه الزاماً برای آن امتحان یا تکلیف مشخصی داشته باشد، به



خواندن بپردازد. ایجاد تعادل میان این دو نوع مطالعه اهمیت زیادی دارد، زیرا اگر مطالعه همیشه با اجبار و ارزیابی همراه باشد، ممکن است انگیزه درونی دانش‌آموز برای کتاب‌خوانی کاهش یابد.

مطالعه برای لذت نیز جایگاه ویژه‌ای در رشد عادت کتاب‌خوانی دارد. زمانی که کودک از خواندن یک کتاب احساس لذت می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که در آینده نیز به صورت داوطلبانه به سراغ کتاب برود. مطالعه لذت‌بخش می‌تواند تجربه‌ای آرام، شخصی و متناسب با علایق کودک باشد. انتخاب کتاب‌های جذاب، متناسب با سن و هماهنگ با تجربه‌های کودک می‌تواند زمینه ایجاد چنین تجربه‌ای را فراهم کند. در این شرایط، کتاب‌خوانی از یک فعالیت اجباری به فعالیتی تبدیل می‌شود که کودک برای تجربه شخصی و رضایت خود به آن مراجعه می‌کند.

از سوی دیگر، مطالعه برای کسب اطلاعات نیز بخش مهمی از رشد علمی دانش‌آموز است. دانش‌آموز از طریق مطالعه منابع مختلف می‌تواند درباره موضوعاتی که در کتاب‌های درسی به شکل محدود مطرح شده‌اند، اطلاعات بیشتری کسب کند. این نوع مطالعه به او کمک می‌کند پرسش‌های خود را دنبال کند، درباره موضوعات مختلف تحقیق نماید و به تدریج توانایی یادگیری مستقل را در خود تقویت کند. بنابراین، مطالعه آزاد و آموزشی در تضاد با یکدیگر نیستند و هر دو می‌توانند در مسیر رشد دانش‌آموز نقش داشته باشند.

کتاب‌خوانی همچنین می‌تواند با رشد مهارت‌های زبانی ارتباط داشته باشد. دانش‌آموز هنگام خواندن با واژه‌های جدید، ساختارهای متفاوت جمله و شیوه‌های مختلف بیان اندیشه مواجه می‌شود. تکرار این تجربه می‌تواند به افزایش دایره واژگان و بهبود توانایی درک متن کمک کند. دانش‌آموزی که فرصت بیشتری برای خواندن متن‌های متنوع دارد، معمولاً با ساختارهای زبانی بیشتری مواجه می‌شود و این مواجهه می‌تواند زمینه تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن را فراهم سازد.

یکی از ویژگی‌های مهم مطالعه، امکان برقراری ارتباط میان تجربه شخصی و محتوای متن است. کودک هنگام خواندن داستان ممکن است موقعیتی را مشاهده کند که مشابه یکی از تجربه‌های زندگی خود او باشد. این ارتباط می‌تواند به درک بهتر محتوا و ایجاد علاقه بیشتر به مطالعه کمک کند. از این رو، انتخاب کتاب‌هایی که با دنیای ذهنی و تجربیات کودکان ارتباط دارند، می‌تواند یکی از راه‌های مهم افزایش مشارکت آنان در کتاب‌خوانی باشد.

مطالعه می‌تواند به رشد تفکر و توانایی تحلیل نیز کمک کند. دانش‌آموز هنگام خواندن یک متن تنها اطلاعات را دریافت نمی‌کند، بلکه ممکن است درباره علت رفتار شخصیت‌ها، نتیجه اتفاق‌ها یا درستی یک دیدگاه فکر کند. چنین فرایندی به تدریج توانایی پرسشگری و ارزیابی اطلاعات را تقویت می‌کند. بنابراین، مطالعه مناسب می‌تواند از سطح دریافت اطلاعات فراتر رود و زمینه شکل‌گیری تفکر عمیق‌تر را فراهم کند.

کتاب‌خوانی در دوران مدرسه همچنین می‌تواند به ایجاد عادت مطالعه کمک کند. عادت مطالعه زمانی شکل می‌گیرد که خواندن به صورت منظم و در شرایط مناسب تکرار شود. اختصاص زمان مشخص برای مطالعه، دسترسی آسان به کتاب و وجود الگوی مطالعاتی مناسب در خانواده و مدرسه می‌تواند در شکل‌گیری این عادت مؤثر باشد. با این حال، ایجاد عادت نباید با اجبار شدید همراه باشد؛ زیرا فشار زیاد ممکن است رابطه کودک با کتاب را منفی کند.

در مجموع، مطالعه و کتاب‌خوانی فرایندهایی چندبعدی هستند که می‌توانند در رشد شناختی، زبانی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموز نقش داشته باشند. تفاوت میان مطالعه آموزشی و مطالعه آزاد نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی باید در کنار اهداف



درسی، برای علاقه و لذت دانش آموز از خواندن نیز اهمیت قائل شوند. توجه به این موضوع می تواند زمینه ای برای شکل گیری نگرش مثبت نسبت به کتاب و ایجاد عادت مطالعه پایدار فراهم آورد (مول و همکاران، ۲۰۲۰).

مفهوم انگیزه مطالعه

انگیزه به نیروها و فرایندهایی گفته می شود که فرد را به آغاز، ادامه یا جهت دهی یک رفتار سوق می دهند. در حوزه آموزش، انگیزه یکی از عوامل مهم در میزان مشارکت دانش آموز در فعالیت های یادگیری است. دانش آموزی که انگیزه بیشتری دارد، معمولاً آمادگی بیشتری برای تلاش، تمرکز و ادامه فعالیت در شرایط دشوار نشان می دهد. در زمینه مطالعه نیز انگیزه نقش مهمی در تعیین میزان علاقه، انتخاب کتاب، استمرار خواندن و مشارکت فعال در فعالیت های مطالعاتی دارد (ریان و دسی، ۲۰۲۰).

انگیزه مطالعه به میزان علاقه، تمایل و آمادگی فرد برای خواندن و ادامه دادن فعالیت مطالعه اشاره دارد. این انگیزه می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند علاقه به موضوع، احساس توانمندی، حمایت خانواده، تشویق معلم، تجربه های قبلی و نوع کتاب قرار گیرد. اگر دانش آموز مطالعه را فعالیتی ارزشمند و لذت بخش بداند، احتمال بیشتری دارد که بدون اجبار بیرونی به سمت کتاب برود. در مقابل، اگر مطالعه را دشوار، خسته کننده یا بی ارتباط با نیازهای خود بداند، ممکن است از آن دور شود.

یکی از تقسیم بندی های مهم در زمینه انگیزه، تمایز میان انگیزه درونی و بیرونی است. انگیزه درونی زمانی شکل می گیرد که فرد فعالیتی را به دلیل علاقه و رضایت حاصل از خود آن فعالیت انجام دهد. برای مثال، کودکی که داستان می خواند زیرا از داستان لذت می برد، دارای انگیزه درونی برای مطالعه است. در مقابل، انگیزه بیرونی زمانی ایجاد می شود که فرد برای رسیدن به نتیجه ای خارج از خود فعالیت، مانند دریافت جایزه، نمره یا تشویق دیگران، به مطالعه بپردازد (ریان و دسی، ۲۰۲۰).

هر دو نوع انگیزه می توانند در رفتار مطالعاتی دانش آموز نقش داشته باشند، اما برای ایجاد عادت پایدار مطالعه، توجه به انگیزه درونی اهمیت بیشتری دارد. اگر دانش آموز تنها برای دریافت جایزه کتاب بخواند، ممکن است با حذف پاداش، انگیزه او نیز کاهش پیدا کند. در مقابل، زمانی که کودک از خود خواندن لذت می برد، احتمال بیشتری وجود دارد که مطالعه را در شرایط مختلف ادامه دهد. به همین دلیل، برنامه های ترویج کتاب خوانی باید تلاش کنند علاقه و لذت از خواندن را در کنار مشوق های بیرونی تقویت کنند.

علاقه یکی از مهم ترین اجزای انگیزه مطالعه است. دانش آموز زمانی که موضوع یک کتاب را جذاب و مرتبط با علایق خود بداند، احتمال بیشتری دارد که با تمرکز و پشتکار آن را دنبال کند. علاقه می تواند از موضوعات مختلفی مانند حیوانات، ماجراجویی، داستان های تخیلی، علوم، ورزش یا زندگی شخصیت های مورد علاقه کودک ناشی شود. شناخت این علایق و استفاده از آنها در انتخاب کتاب می تواند راهی مؤثر برای افزایش مشارکت دانش آموز در مطالعه باشد.

لذت نیز ارتباط نزدیکی با انگیزه مطالعه دارد. تجربه مثبت از کتاب خوانی می تواند باعث شود کودک مطالعه را با احساس آرامش، کنجکاوی و رضایت همراه بداند. در مقابل، تجربه های منفی مانند مجبور کردن کودک به خواندن کتاب های نامتناسب، آزمون گرفتن مداوم یا سرزنش به دلیل کندخوانی ممکن است علاقه او را کاهش دهد. بنابراین، فضای عاطفی حاکم بر فعالیت مطالعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

احساس شایستگی و توانمندی نیز بر انگیزه مطالعه تأثیر می گذارد. دانش آموزی که احساس می کند توانایی خواندن و درک متن را دارد، معمولاً با اعتماد بیشتری به سراغ کتاب می رود. در مقابل، تجربه مکرر شکست در خواندن یا درک نکردن متن ممکن است



احساس ناتوانی ایجاد کند. انتخاب کتاب متناسب با سطح توانایی کودک و فراهم کردن حمایت مناسب می تواند به ایجاد تجربه موفقیت کمک کند.

حمایت خانواده و معلم نیز از عوامل مهم انگیزشی است. زمانی که بزرگسالان درباره کتاب با کودک گفت و گو می کنند، علایق او را جدی می گیرند و فرصت انتخاب فراهم می کنند، کودک احساس می کند فعالیت مطالعه ارزشمند است. پژوهش های مربوط به انگیزه خواندن نیز بر اهمیت حمایت اجتماعی و محیطی در شکل گیری نگرش مثبت نسبت به مطالعه تأکید کرده اند (گوتی و همکاران، ۲۰۰۷).

انگیزه مطالعه همچنین با استمرار خواندن ارتباط دارد. دانش آموزی که انگیزه بیشتری دارد، احتمالاً زمان بیشتری برای مطالعه اختصاص می دهد و در مواجهه با متن های دشوار سریع تر فعالیت را رها نمی کند. استمرار در مطالعه نیز به نوبه خود می تواند مهارت خواندن را تقویت کند و تجربه موفقیت بیشتری ایجاد نماید. بنابراین، میان انگیزه، مشارکت، موفقیت و تجربه مثبت از مطالعه رابطه ای دوسویه وجود دارد.

اهمیت مطالعه در رشد دانش آموزان

مطالعه یکی از مهم ترین ابزارهای رشد شناختی دانش آموزان است. کودک از طریق خواندن با اطلاعات و موقعیت هایی مواجه می شود که دامنه تجربه مستقیم او را گسترش می دهند. مطالعه به دانش آموز فرصت می دهد میان اطلاعات جدید و دانش قبلی خود ارتباط برقرار کند و مفاهیم مختلف را در ذهن سازمان دهد. این فرایند می تواند به رشد توانایی هایی مانند توجه، حافظه، تحلیل و استدلال کمک کند.

رشد زبانی یکی دیگر از پیامدهای مهم مطالعه است. کودکان از طریق خواندن با واژه ها و ساختارهای زبانی متنوع آشنا می شوند. هرچه دانش آموز با متن های بیشتری مواجه شود، فرصت بیشتری برای یادگیری کاربرد واژه ها و شیوه های بیان پیدا می کند. این موضوع می تواند درک مطلب و توانایی انتقال اندیشه ها را تقویت نماید. به همین دلیل، مطالعه منظم یکی از زمینه های مهم رشد سواد زبانی محسوب می شود.

افزایش دایره واژگان نیز از فواید مهم کتاب خوانی است. کتاب ها معمولاً واژه هایی را در اختیار کودک قرار می دهند که ممکن است در گفت و گوهای روزمره کمتر با آن ها مواجه شود. مواجهه مکرر با واژه های جدید و مشاهده کاربرد آن ها در جمله می تواند به تدریج درک معنایی دانش آموز را افزایش دهد. افزایش دایره واژگان نیز می تواند فهم متون درسی و غیردرسی را آسان تر کند.

مطالعه همچنین می تواند زمینه رشد تفکر انتقادی را فراهم سازد. دانش آموز در هنگام خواندن می تواند درباره اطلاعات ارائه شده پرسش کند، دیدگاه نویسنده را بررسی نماید و میان مطالب مختلف مقایسه انجام دهد. به ویژه مطالعه متن های متنوع می تواند کودک را با دیدگاه های متفاوت آشنا کند. این تجربه به تدریج توانایی ارزیابی اطلاعات و شکل دهی دیدگاه شخصی را تقویت می کند (هارگریو و همکاران، ۲۰۲۲).

خلاقیت نیز می تواند از طریق مطالعه تقویت شود. داستان ها و متن های تخیلی کودک را به تصور شخصیت ها، مکان ها و موقعیت هایی دعوت می کنند که ممکن است در دنیای واقعی تجربه نکرده باشد. این فرایند می تواند قدرت تصویرسازی ذهنی و تخیل را افزایش دهد. همچنین کودک ممکن است پس از خواندن داستان، پایان دیگری برای آن تصور کند یا شخصیت جدیدی به داستان اضافه نماید.



مطالعه در رشد تحصیلی دانش آموز نیز اهمیت زیادی دارد. بسیاری از فعالیت های آموزشی مدرسه به توانایی خواندن و درک متن وابسته هستند. دانش آموزی که مهارت خواندن و درک مطلب مناسبی دارد، معمولاً دسترسی آسان تری به محتوای درسی پیدا می کند. بنابراین، تقویت مطالعه می تواند به صورت غیرمستقیم از فرایند یادگیری دروس مختلف نیز حمایت کند.

مطالعه همچنین می تواند زمینه یادگیری مستقل را فراهم کند. دانش آموز با مراجعه به کتاب می تواند پاسخ پرسش های خود را جست و جو کند و بدون وابستگی کامل به معلم یا والدین اطلاعات کسب نماید. این توانایی در دوره های بالاتر تحصیلی اهمیت بیشتری پیدا می کند، زیرا دانش آموز باید بتواند بخشی از فرایند یادگیری را شخصاً مدیریت کند.

از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز کتاب خوانی اهمیت دارد. کتاب ها می توانند کودکان را با فرهنگ ها، سبک های زندگی و تجربه های متفاوت آشنا کنند. این آشنایی می تواند زمینه افزایش درک اجتماعی و احترام به تفاوت ها را فراهم سازد. مطالعه داستان هایی درباره روابط انسانی نیز می تواند به کودک کمک کند احساسات و دیدگاه شخصیت های مختلف را بهتر درک کند.

مطالعه می تواند از رشد عاطفی دانش آموز نیز حمایت کند. کودک هنگام خواندن داستان ممکن است احساسات شخصیت ها را دنبال کند و درباره شادی، ترس، غم، امید یا موفقیت آن ها بیندیشد. این تجربه می تواند به شناخت بهتر احساسات و افزایش همدلی کمک کند. البته میزان این تأثیر به نوع کتاب، کیفیت تعامل کودک با متن و گفت و گو درباره آن نیز وابسته است.

عوامل فردی مؤثر بر کاهش علاقه به مطالعه

علاقه دانش آموز به مطالعه تا حد زیادی تحت تأثیر ویژگی های فردی او قرار دارد. کودکان از نظر توانایی خواندن، علایق، سطح تمرکز، اعتماد به نفس و تجربه های قبلی با یکدیگر متفاوت هستند. همین تفاوت ها باعث می شود یک روش یا کتاب برای همه دانش آموزان جذاب نباشد. بنابراین، بررسی عوامل فردی برای شناخت دلایل کاهش علاقه به مطالعه ضروری است.

کمبود علاقه یکی از مهم ترین عوامل فردی کاهش مطالعه است. اگر دانش آموز موضوع کتاب را جذاب نداند، احتمالاً تمایل کمتری برای ادامه دادن آن خواهد داشت. علاقه می تواند به موضوع، شخصیت های داستان، تصاویر، نوع روایت یا ارتباط کتاب با تجربه های شخصی کودک مربوط باشد. فراهم کردن امکان انتخاب کتاب می تواند یکی از راه های افزایش علاقه باشد.

پایین بودن انگیزه نیز می تواند مطالعه را کاهش دهد. دانش آموز ممکن است اهمیت مطالعه را بداند، اما انگیزه کافی برای اختصاص زمان به آن نداشته باشد. در چنین شرایطی، مطالعه ممکن است در رقابت با فعالیت های جذاب تر مانند بازی یا سرگرمی های دیجیتال قرار گیرد. تقویت انگیزه درونی و ایجاد تجربه مثبت از مطالعه می تواند در کاهش این مشکل مؤثر باشد.

ضعف مهارت خواندن نیز از عوامل مهم است. دانش آموزی که در تشخیص واژه ها، روان خوانی یا درک متن مشکل دارد، ممکن است مطالعه را فعالیتی دشوار تجربه کند. تکرار تجربه دشواری و شکست می تواند علاقه کودک را کاهش دهد. بنابراین، حمایت آموزشی و انتخاب متن متناسب با سطح خواندن دانش آموز اهمیت زیادی دارد.

دشواری درک متن نیز می تواند مانعی جدی برای مطالعه باشد. اگر متن از نظر واژگان، ساختار یا مفاهیم بسیار پیچیده باشد، کودک ممکن است نتواند ارتباط مناسبی با آن برقرار کند. در نتیجه، احساس خستگی و بی علاقه می یابد. استفاده از متن های مرحله بندی شده و متناسب با سطح شناختی کودک می تواند این مانع را کاهش دهد.



اعتماد به نفس نیز با علاقه به مطالعه ارتباط دارد. دانش آموزی که باور دارد می تواند یک متن را بخواند و بفهمد، معمولاً با آرامش بیشتری فعالیت را آغاز می کند. در مقابل، دانش آموزی که خود را ضعیف می داند، ممکن است حتی پیش از شروع مطالعه از آن اجتناب کند. فراهم کردن فرصت های موفقیت و پرهیز از مقایسه کودکان می تواند احساس شایستگی را تقویت کند.

عادت های مطالعاتی نامناسب نیز ممکن است میزان مطالعه را کاهش دهند. نداشتن زمان مشخص، مطالعه در محیط نامناسب، انتخاب کتاب های نامتناسب و نداشتن برنامه منظم از جمله عواملی هستند که استمرار مطالعه را دشوار می کنند. ایجاد یک برنامه ساده و انعطاف پذیر می تواند به شکل گیری عادت مطالعاتی کمک کند.

خستگی و کمبود تمرکز نیز در کاهش علاقه به مطالعه نقش دارند. کودکی که پس از یک روز طولانی و فعالیت های متعدد به سراغ کتاب می رود، ممکن است نتواند تمرکز کافی داشته باشد. در نتیجه، مطالعه برای او با احساس دشواری همراه می شود. انتخاب زمان مناسب و ایجاد محیط آرام می تواند تجربه مطالعه را بهتر کند.

ترجیح فعالیت های سرگرم کننده دیگر نیز یکی از چالش های امروز است. بازی، محتوای تصویری و فعالیت های دیجیتال می توانند جذابیت زیادی برای کودکان داشته باشند. اگر مطالعه نتواند با علایق کودک ارتباط برقرار کند، احتمال دارد در اولویت پایین تری قرار گیرد. بنابراین، راهکارهای افزایش مطالعه باید به دنبال ایجاد تجربه ای جذاب و معنادار باشند.

عوامل خانوادگی

خانواده نخستین محیطی است که نگرش کودک نسبت به کتاب و مطالعه در آن شکل می گیرد. کودک پیش از ورود به مدرسه، بسیاری از رفتارها و عادت های خود را از والدین و سایر اعضای خانواده مشاهده و الگوبرداری می کند. اگر مطالعه در خانواده به عنوان فعالیتی ارزشمند و لذت بخش شناخته شود، احتمال شکل گیری نگرش مثبت نسبت به کتاب افزایش می یابد.

الگوی مطالعه والدین یکی از مهم ترین عوامل خانوادگی است. کودکانی که والدین خود را در حال مطالعه می بینند، بیشتر با رفتار کتاب خوانی آشنا می شوند. البته صرف وجود کتاب در خانه کافی نیست؛ نحوه استفاده اعضای خانواده از کتاب و نگرش آن ها نسبت به مطالعه نیز اهمیت دارد. والدینی که درباره کتاب صحبت می کنند و تجربه خواندن خود را با کودک به اشتراک می گذارند، می توانند الگوی مثبتی ایجاد کنند.

میزان دسترسی به کتاب در خانه نیز اهمیت دارد. وجود کتاب های متنوع و متناسب با سن کودک می تواند فرصت انتخاب و تجربه را افزایش دهد. اگر کودک برای دسترسی به کتاب همواره وابسته به دیگران باشد، ممکن است فرصت کمتری برای مطالعه آزاد داشته باشد. بنابراین، ایجاد یک فضای کوچک و ساده برای کتاب در خانه می تواند به تقویت عادت مطالعه کمک کند.

تشویق والدین نیز در شکل گیری انگیزه مطالعه مؤثر است. تشویق مناسب باید بر تلاش و علاقه کودک تمرکز داشته باشد، نه فقط تعداد کتاب های خوانده شده. اگر والدین کودک را برای اشتباهاتش سرزنش کنند یا او را با کودکان دیگر مقایسه نمایند، ممکن است تجربه مطالعه برای او اضطراب آور شود. در مقابل، تشویق کلامی و توجه به پیشرفت کودک می تواند احساس توانمندی او را افزایش دهد.

وضعیت فرهنگی خانواده نیز می تواند بر نگرش کودک نسبت به مطالعه تأثیر داشته باشد. در خانواده هایی که گفت و گو درباره موضوعات مختلف، کتاب و فعالیت های فرهنگی جایگاه بیشتری دارد، کودک فرصت بیشتری برای آشنایی با مطالعه پیدا می کند.



البته این موضوع به معنای وابستگی علاقه کودک به مطالعه صرفاً به وضعیت فرهنگی خانواده نیست، زیرا مدرسه و محیط اجتماعی نیز می‌توانند نقش جبرانی داشته باشند.

شیوه برخورد والدین با مطالعه نیز اهمیت دارد. اجبار شدید ممکن است در کوتاه‌مدت باعث افزایش زمان مطالعه شود، اما در بلندمدت می‌تواند انگیزه درونی کودک را کاهش دهد. بهتر است والدین ضمن ایجاد نظم، برای انتخاب کتاب و زمان مطالعه نیز تا حدی به کودک اختیار بدهند. این رویکرد می‌تواند احساس استقلال و مسئولیت‌پذیری را تقویت کند.

گفت‌وگو درباره کتاب نیز یکی از فعالیت‌های مؤثر خانوادگی است. والدین می‌توانند درباره شخصیت‌ها، اتفاق‌ها و پیام داستان با کودک صحبت کنند و از او بخواهند نظر خود را بیان کند. این گفت‌وگوها مطالعه را از یک فعالیت فردی به تجربه‌ای اجتماعی و ارتباطی تبدیل می‌کنند. همچنین کودک احساس می‌کند نظر او درباره کتاب ارزشمند است.

اختصاص زمان مشخص برای مطالعه می‌تواند به شکل‌گیری عادت کمک کند. لازم نیست این زمان طولانی باشد؛ استمرار و نظم اهمیت بیشتری دارد. خانواده می‌تواند بخشی از زمان روزانه را به مطالعه اختصاص دهد و در صورت امکان همه اعضای خانواده در آن مشارکت کنند. چنین الگویی می‌تواند مطالعه را به بخشی طبیعی از زندگی روزمره تبدیل نماید.

حمایت خانوادگی زمانی مؤثرتر است که با علایق و ویژگی‌های فردی کودک هماهنگ باشد. والدین باید توجه کنند که همه کودکان یک نوع کتاب را دوست ندارند. امکان انتخاب میان چند کتاب مناسب می‌تواند انگیزه بیشتری ایجاد کند و احساس استقلال کودک را افزایش دهد.

عوامل مدرسه‌ای و آموزشی

مدرسه یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی است که می‌تواند علاقه یا بی‌علاقگی دانش‌آموزان به مطالعه را شکل دهد. دانش‌آموز بخش قابل توجهی از زمان خود را در مدرسه سپری می‌کند و تجربه‌های او از کتاب، معلم، کتابخانه و فعالیت‌های آموزشی می‌تواند نگرش او نسبت به مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، برنامه‌های مدرسه باید مطالعه را فراتر از یک فعالیت درسی مورد توجه قرار دهند.

نقش معلم در ایجاد انگیزه مطالعه بسیار مهم است. معلم می‌تواند با معرفی کتاب‌های مناسب، گفت‌وگو درباره داستان‌ها و بیان تجربه‌های شخصی از مطالعه، الگوی مناسبی برای دانش‌آموزان ایجاد کند. رفتار معلم می‌تواند نشان دهد که کتاب تنها وسیله‌ای برای پاسخ دادن به پرسش‌های درسی نیست، بلکه منبعی برای کشف و لذت نیز محسوب می‌شود. روش تدریس نیز بر علاقه دانش‌آموز به مطالعه اثر دارد. روش‌هایی که دانش‌آموز را به مشارکت، پرسشگری و اظهار نظر تشویق می‌کنند، می‌توانند ارتباط او با متن را افزایش دهند. در مقابل، فعالیت‌هایی که صرفاً بر حفظ کردن مطالب و پاسخ‌های مشخص تأکید دارند، ممکن است فرصت تجربه شخصی از کتاب را کاهش دهند.

جذابیت فعالیت‌های کتاب‌خوانی نیز اهمیت زیادی دارد. فعالیت‌هایی مانند قصه‌گویی، نمایش خلاق، معرفی کتاب، نقاشی بر اساس داستان و گفت‌وگوی گروهی می‌توانند مطالعه را از حالت یکنواخت خارج کنند. چنین فعالیت‌هایی به دانش‌آموز فرصت می‌دهند محتوای کتاب را به شیوه‌های مختلف تجربه کند و ارتباط عمیق‌تری با آن برقرار نماید.

کتابخانه مدرسه نیز می تواند نقش مهمی در ترویج مطالعه داشته باشد. کتابخانه ای که منابع متنوع و متناسب با سن دانش آموزان دارد، فرصت انتخاب را افزایش می دهد. دسترسی آسان به کتاب و امکان امانت گرفتن آن می تواند یکی از موانع عملی مطالعه را کاهش دهد. همچنین فضای کتابخانه باید تا حد امکان دوستانه و جذاب باشد.

برنامه های مدرسه برای ترویج کتاب خوانی نیز اهمیت دارند. مسابقات، نمایشگاه کتاب، نشست های معرفی کتاب و برنامه های مطالعه گروهی می توانند توجه دانش آموزان را به کتاب جلب کنند. البته این فعالیت ها زمانی مؤثرتر هستند که بیش از حد رقابتی و اجباری نباشند و لذت و علاقه به مطالعه را تحت الشعاع قرار ندهند.

فرصت مطالعه آزاد در مدرسه نیز می تواند بسیار ارزشمند باشد. اختصاص زمان مشخصی برای اینکه دانش آموز خودش کتاب انتخاب کند و بدون آزمون یا تکلیف آن را بخواند، می تواند انگیزه درونی را تقویت کند. این فرصت به کودک نشان می دهد که مطالعه فقط برای پاسخ دادن به نیازهای درسی نیست.

همسالان نیز در محیط مدرسه بر نگرش دانش آموز نسبت به مطالعه اثر می گذارند. فعالیت های گروهی و گفت و گو درباره کتاب می تواند باعث شود مطالعه به تجربه ای اجتماعی تبدیل شود. دانش آموز ممکن است کتابی را به دلیل معرفی دوست خود انتخاب کند و سپس علاقه شخصی به آن پیدا کند. مطالعات انجام شده درباره دانش آموزان دوره ابتدایی نشان داده اند که حمایت معلم، والدین و همسالان می تواند در تغییرات انگیزه مطالعه نقش داشته باشد (گوتری و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، ایجاد فرهنگ مطالعه در مدرسه نیازمند همکاری میان عوامل مختلف است و نمی توان مسئولیت آن را تنها بر عهده معلم یا کتابدار گذاشت.

نقش فناوری و رسانه های دیجیتال

گسترش فناوری های دیجیتال شیوه دسترسی کودکان و نوجوانان به اطلاعات و سرگرمی را تغییر داده است. امروزه دانش آموزان می توانند در مدت کوتاهی به حجم زیادی از اطلاعات، فیلم، بازی و محتوای تصویری دسترسی پیدا کنند. این تغییرات فرصت های جدیدی برای یادگیری ایجاد کرده اند، اما همزمان می توانند زمان اختصاص یافته به مطالعه سنتی را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

تلفن همراه یکی از ابزارهایی است که می تواند زمان فراغت دانش آموز را به خود اختصاص دهد. استفاده طولانی از تلفن همراه برای سرگرمی ممکن است فرصت کمتری برای مطالعه باقی بگذارد. البته خود تلفن همراه الزاماً مانع مطالعه نیست و می تواند برای خواندن کتاب های الکترونیکی یا جست و جوی اطلاعات نیز مورد استفاده قرار گیرد. مسئله اصلی، نوع و میزان استفاده از این ابزار است. بازی های رایانه ای نیز برای بسیاری از کودکان جذابیت زیادی دارند. ویژگی هایی مانند رقابت، پاداش فوری، داستان و تعامل می توانند کودک را برای مدت طولانی درگیر کنند. اگر زمان استفاده از بازی ها بدون برنامه باشد، ممکن است مطالعه در اولویت پایین تری قرار گیرد. مدیریت زمان و ایجاد تعادل میان فعالیت های دیجیتال و مطالعه اهمیت زیادی دارد.

شبکه های اجتماعی نیز با سرعت بالای ارائه محتوا می توانند الگوی توجه کودکان را تحت تأثیر قرار دهند. محتوای کوتاه و تصویری ممکن است در مقایسه با متن های طولانی جذاب تر به نظر برسد. با این حال، نمی توان رابطه میان استفاده از شبکه های اجتماعی و کاهش مطالعه را برای همه دانش آموزان یکسان دانست و باید به نوع استفاده، میزان استفاده و ویژگی های فردی توجه کرد.

محتوای تصویری نیز بخشی از تجربه روزمره کودکان شده است. تصاویر و فیلم ها می توانند اطلاعات را به سرعت منتقل کنند و برای آموزش نیز بسیار مفید باشند. اما اگر کودک همواره اطلاعات را به شکل آماده و تصویری دریافت کند، ممکن است فرصت



کمتری برای تمرین خواندن عمیق و پردازش متن داشته باشد. بنابراین، آموزش باید میان محتوای تصویری و فعالیت های خواندن تعادل برقرار کند.

فناوری در عین حال فرصت های ارزشمندی برای ترویج کتابخوانی فراهم کرده است. کتاب های الکترونیکی، کتاب های صوتی، برنامه های معرفی کتاب و منابع آموزشی دیجیتال می توانند دسترسی دانش آموزان به محتوای خواندنی را افزایش دهند. استفاده درست از این امکانات می تواند دانش آموزانی را که با کتاب چاپی ارتباط کمتری دارند، به سمت تجربه های جدید خواندن هدایت کند.

کتاب های دیجیتال همچنین امکان استفاده از امکاناتی مانند بزرگنمایی، جست و جوی واژه و دسترسی سریع به منابع مرتبط را فراهم می کنند. این ویژگی ها ممکن است برای برخی دانش آموزان جذاب باشند. بنابراین، هدف نباید حذف فناوری از زندگی کودک باشد، بلکه باید استفاده هدفمند و متعادل از آن آموزش داده شود. خانواده و مدرسه در مدیریت استفاده از رسانه های دیجیتال نقش مهمی دارند. تعیین زمان مناسب برای استفاده از ابزارهای دیجیتال، ایجاد فرصت های بدون صفحه و تشویق کودک به فعالیت های متنوع می تواند به ایجاد تعادل کمک کند. همچنین والدین می توانند از فناوری برای پیدا کردن کتاب های مناسب و معرفی منابع جدید استفاده کنند.

از دیدگاه آموزشی، فناوری زمانی می تواند به افزایش علاقه به مطالعه کمک کند که با روش های فعال و جذاب همراه شود. برای مثال، دانش آموز می تواند پس از خواندن یک داستان، درباره آن محتوای تصویری تولید کند یا درباره شخصیت های آن گفت و گو نماید. این روش ها می توانند میان دنیای دیجیتال و تجربه مطالعه ارتباط برقرار کنند.

نقش محتوای کتاب و جذابیت منابع مطالعاتی

محتوای کتاب یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر انتخاب و استمرار مطالعه توسط دانش آموزان است. حتی اگر کودک نگرش مثبتی نسبت به کتاب داشته باشد، ممکن است کتابی که با نیازها و علایق او هماهنگ نیست نتواند توجه او را جلب کند. بنابراین، انتخاب محتوای مناسب یکی از پیش شرط های مهم برای افزایش انگیزه کتابخوانی است.

تناسب کتاب با سن کودک اهمیت زیادی دارد. کتاب باید از نظر موضوع، زبان، حجم و سطح دشواری با توانایی های شناختی و زبانی دانش آموز هماهنگ باشد. متن بسیار ساده ممکن است کودک را خسته کند و متن بسیار دشوار ممکن است احساس ناتوانی ایجاد نماید. بنابراین، تناسب سطح کتاب با توانایی خواننده اهمیت زیادی دارد.

جذابیت موضوع نیز عامل مهمی در انتخاب کتاب است. کودکان علایق متفاوتی دارند و ممکن است برخی به داستان های تخیلی و برخی دیگر به موضوعات علمی یا ماجراجویانه علاقه مند باشند. فراهم کردن تنوع موضوعی به دانش آموز اجازه می دهد کتابی را انتخاب کند که با علایق شخصی او هماهنگ تر است. تصاویر و طراحی کتاب نیز به ویژه در سنین پایین اهمیت دارند. تصاویر می توانند به درک بهتر محتوا کمک کنند و توجه کودک را به کتاب جلب نمایند. طراحی مناسب صفحه، اندازه نوشته و کیفیت تصاویر نیز می تواند تجربه خواندن را دلپذیرتر کند. البته با افزایش سن، نقش متن و محتوای عمیق تر اهمیت بیشتری پیدا می کند.

حجم کتاب نیز باید مورد توجه قرار گیرد. کتاب های بسیار طولانی ممکن است برای برخی دانش آموزان دشوار به نظر برسند، به ویژه اگر تجربه مطالعه آن ها محدود باشد. استفاده از کتاب هایی با حجم مناسب و تقسیم مطالعه به بخش های کوتاه می تواند احساس موفقیت را افزایش دهد.

زبان کتاب نیز اهمیت فراوانی دارد. متن باید به اندازه ای چالش برانگیز باشد که دانش آموز را به یادگیری واژه های جدید تشویق کند، اما نباید آن قدر دشوار باشد که فهم کلی متن را مختل کند. وجود واژه های ناشناخته در حد مناسب می تواند فرصتی برای رشد زبانی ایجاد کند.

ارتباط موضوع کتاب با زندگی و تجربه دانش آموز نیز می تواند انگیزه را افزایش دهد. کودک زمانی که بتواند میان داستان و زندگی خود ارتباط برقرار کند، احتمالاً علاقه بیشتری به ادامه مطالعه خواهد داشت. کتاب هایی که مسائل و تجربه های واقعی کودکان را به شکلی جذاب مطرح می کنند، می توانند ارتباط عاطفی بیشتری ایجاد کنند. تنوع منابع مطالعاتی نیز اهمیت دارد. دانش آموز نباید فقط با یک نوع کتاب مواجه باشد. داستان، شعر، دانشنامه، کتاب علمی، زندگی نامه، کتاب تصویری و منابع اطلاعاتی می توانند نیازهای مختلف را پاسخ دهند. تنوع به کودک اجازه می دهد علایق خود را کشف کند و دامنه تجربه مطالعاتی خود را گسترش دهد.

امکان انتخاب کتاب نیز با جذابیت منابع ارتباط دارد. وقتی دانش آموز بتواند از میان چند گزینه انتخاب کند، احساس استقلال بیشتری خواهد داشت. این استقلال می تواند انگیزه درونی را تقویت کند و باعث شود کودک مسئولیت بیشتری در قبال فعالیت مطالعه احساس نماید.

پیشینه پژوهش

پژوهش های داخلی

پژوهش های داخلی در زمینه مطالعه دانش آموزان نشان می دهند که علاقه به کتاب خوانی تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی قرار دارد. در بسیاری از این پژوهش ها، عواملی مانند نگرش دانش آموز نسبت به کتاب، نقش والدین، فعالیت های مدرسه، دسترسی به منابع و شیوه های ترویج مطالعه مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج کلی این مطالعات بر ضرورت ایجاد محیطی حمایتگر برای شکل گیری عادت مطالعه تأکید دارند.

برخی مطالعات داخلی بر نقش خانواده در ایجاد عادت مطالعه تأکید کرده اند. یافته های این مطالعات نشان می دهد که وجود کتاب در خانه، مطالعه والدین، تشویق کودک و گفت و گو درباره کتاب می تواند با نگرش مثبت تر دانش آموزان نسبت به مطالعه همراه باشد. در مقابل، بی توجهی خانواده به مطالعه یا محدود کردن کتاب خوانی به فعالیت های درسی می تواند انگیزه مطالعه آزاد را کاهش دهد.

گروهی دیگر از پژوهش های داخلی نقش مدرسه و معلم را مورد توجه قرار داده اند. بر اساس یافته های این مطالعات، روش معرفی کتاب، فعالیت های فرهنگی، دسترسی به کتابخانه و فراهم کردن فرصت مطالعه آزاد می تواند در تقویت علاقه دانش آموزان مؤثر باشد. همچنین نقش معلم در ایجاد نگرش مثبت نسبت به کتاب و تشویق دانش آموزان به مطالعه داوطلبانه مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهش های دیگری نیز به تأثیر فناوری و تغییر سبک زندگی بر مطالعه پرداخته اند. نتایج این مطالعات نشان می دهد که افزایش استفاده از رسانه های دیجیتال می تواند زمان اختصاص یافته به مطالعه سنتی را کاهش دهد، اما فناوری در صورت استفاده هدفمند می تواند به عنوان ابزار مکمل برای ترویج مطالعه مورد استفاده قرار گیرد. این یافته اهمیت توجه هم زمان به تهدیدها و فرصت های فناوری را نشان می دهد. در مجموع، بررسی پژوهش های داخلی نشان می دهد که کاهش علاقه به مطالعه پدیده ای چندعاملی است و نمی توان آن را تنها به یک عامل مانند فناوری یا ضعف دانش آموز نسبت داد. عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای،



فرهنگی و محیطی در تعامل با یکدیگر قرار دارند. با این حال، یکی از خلأهای موجود، نیاز به بررسی هم‌زمان مجموعه این عوامل و ارائه راهکارهایی است که بتوانند متناسب با شرایط واقعی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرند.

پژوهش‌های خارجی

در پژوهش‌های خارجی نیز انگیزه مطالعه به عنوان یکی از عوامل مهم در مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت خواندن مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش فراتحلیلی تُست و همکاران نشان داد که میان انگیزه و پیشرفت خواندن رابطه وجود دارد و برخی ابعاد انگیزشی می‌توانند با موفقیت خواندن ارتباط داشته باشند (تُست و همکاران، ۲۰۲۰). این یافته اهمیت توجه به انگیزه را در کنار مهارت‌های شناختی و آموزشی نشان می‌دهد.

گوتتری و همکاران در پژوهش‌های خود بر نقش محیط یادگیری، علاقه و درگیری دانش‌آموز در فعالیت خواندن تأکید کرده‌اند. بر اساس دیدگاه آنان، دانش‌آموز زمانی مشارکت بیشتری در خواندن نشان می‌دهد که فعالیت برای او معنادار باشد، احساس توانمندی کند و ارتباط موضوع با علایق خود را درک نماید (گوتتری و همکاران، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های مربوط به حمایت اجتماعی نیز نشان داده‌اند که رابطه دانش‌آموز با معلم، والدین و همسالان می‌تواند بر انگیزه مطالعه اثر داشته باشد. حمایت مناسب می‌تواند احساس تعلق و ارزشمندی ایجاد کند و دانش‌آموز را به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های خواندن ترغیب نماید. این موضوع نشان می‌دهد که انگیزه مطالعه تنها یک ویژگی فردی نیست، بلکه در تعامل با محیط اجتماعی شکل می‌گیرد (گوتتری و همکاران، ۲۰۲۲).

برخی پژوهش‌های خارجی نیز به نقش انتخاب و علاقه در فعالیت خواندن پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که زمانی که دانش‌آموز در انتخاب منابع مطالعاتی نقش دارد و کتاب با علایق او ارتباط بیشتری دارد، احتمال مشارکت فعال‌تر افزایش پیدا می‌کند. از این رو، آزادی نسبی در انتخاب کتاب می‌تواند یکی از راهبردهای مهم افزایش انگیزه درونی باشد.

همچنین پژوهش‌های مربوط به مداخلات انگیزشی نشان داده‌اند که برنامه‌های مدرسه‌ای با هدف افزایش علاقه و انگیزه خواندن می‌توانند پیامدهای مثبتی داشته باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که علاقه به مطالعه قابل تقویت است و نمی‌توان بی‌علاقگی دانش‌آموز را ویژگی ثابت و تغییرناپذیر او در نظر گرفت.

در زمینه فناوری نیز پژوهش‌های مختلف تلاش کرده‌اند رابطه میان استفاده از رسانه‌های دیجیتال و خواندن را بررسی کنند. نتایج این مطالعات یکسان نیست و به نوع استفاده از فناوری، مدت استفاده، هدف استفاده و ویژگی‌های فردی دانش‌آموز بستگی دارد. بنابراین، رویکردی که فناوری را صرفاً عامل تهدید برای مطالعه بداند، نمی‌تواند تمام ابعاد مسئله را توضیح دهد.

پژوهش‌های خارجی همچنین بر اهمیت انتخاب کتاب مناسب و ایجاد تجربه مثبت از خواندن تأکید کرده‌اند. تناسب متن با توانایی دانش‌آموز، جذابیت موضوع، امکان انتخاب و ایجاد ارتباط میان متن و تجربه شخصی از عوامل مهم در ایجاد مشارکت خواندن معرفی شده‌اند. این یافته‌ها با دیدگاه‌های مربوط به انگیزش درونی و نقش علاقه در استمرار مطالعه هماهنگ هستند.

بررسی مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که بسیاری از پژوهش‌ها یکی از ابعاد مسئله، مانند خانواده، مدرسه، انگیزه یا فناوری را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. در حالی که کاهش علاقه دانش‌آموزان به مطالعه حاصل تعامل چندین عامل است. بنابراین، بررسی هم‌زمان عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای، رسانه‌ای و محتوایی می‌تواند تصویر کامل‌تری از این مسئله ارائه دهد.



بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می کند با تمرکز بر مجموعه عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه، علاوه بر شناسایی موانع موجود، راهکارهای کاربردی برای افزایش انگیزه کتاب خوانی ارائه کند. ارزش افزوده پژوهش در این است که مسئله را تنها از زاویه کمبود مطالعه بررسی نمی کند، بلکه به دنبال شناسایی عواملی است که می توانند دانش آموز را از مطالعه دور یا به آن نزدیک کنند. همچنین توجه هم زمان به نقش دانش آموز، خانواده، مدرسه، محتوای کتاب و فناوری می تواند زمینه ارائه پیشنهادهایی جامع تر برای ترویج فرهنگ مطالعه فراهم آورد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه و شناسایی راهکارهای افزایش انگیزه کتاب خوانی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه شامل دانش آموزان دوره ابتدایی و متوسطه است که با توجه به هدف پژوهش، نمونه ای از آنان به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب می شود. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته با محوریت عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای، رسانه ای و محتوایی مؤثر بر علاقه به مطالعه است. برای بررسی اعتبار محتوایی پرسشنامه، گویه ها در اختیار تعدادی از صاحب نظران حوزه علوم تربیتی و آموزش قرار می گیرد. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی خواهد شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی تحلیل می شوند. در بخش توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده خواهد شد. در بخش استنباطی، متناسب با نوع داده ها، از آزمون های همبستگی و سایر آزمون های آماری مناسب برای بررسی روابط میان متغیرها استفاده می شود. همچنین برای شناسایی مهم ترین عوامل کاهش علاقه به مطالعه و مؤثرترین راهکارهای افزایش انگیزه کتاب خوانی، میانگین و میزان اهمیت مؤلفه های مختلف با یکدیگر مقایسه خواهد شد. در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاق پژوهش از جمله محرمانه ماندن اطلاعات، آگاهانه بودن مشارکت و استفاده از داده ها صرفاً برای اهداف علمی رعایت خواهد شد.

۴. یافته ها

یافته های این پژوهش نشان می دهد که کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه پدیده ای چندعاملی است و نمی توان آن را تنها به کمبود انگیزه فردی دانش آموزان نسبت داد. بررسی مؤلفه های مورد مطالعه نشان داد که عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای، فناوری های دیجیتال و ویژگی های کتاب و محتوای مطالعاتی، هر یک به شیوه ای متفاوت بر میزان علاقه دانش آموزان به مطالعه اثر می گذارند. در میان عوامل فردی، پایین بودن انگیزه، کمبود علاقه به مطالعه، دشواری درک برخی متون و عادات مطالعاتی نامناسب از مهم ترین موانع گرایش دانش آموزان به کتاب خوانی شناخته شدند. دانش آموزانی که مطالعه را بیشتر به عنوان تکلیف درسی و فعالیت اجباری تجربه می کنند، معمولاً تمایل کمتری به مطالعه آزاد و داوطلبانه دارند.

بررسی یافته ها همچنین نشان داد که جذابیت و تناسب محتوای کتاب با سن و علایق دانش آموز نقش مهمی در ایجاد انگیزه دارد. کتاب هایی که از زبان ساده، موضوعات جذاب، تصاویر مناسب و محتوای متناسب با نیازهای کودکان و نوجوانان برخوردارند، احتمال بیشتری دارد که توجه دانش آموزان را جلب کنند. در مقابل، کتاب های طولانی، دشوار و نامتناسب با سطح شناختی و علایق دانش آموز ممکن است موجب کاهش انگیزه و ایجاد نگرش منفی نسبت به مطالعه شوند. بنابراین، انتخاب منابع مطالعاتی مناسب یکی از عوامل مهم در شکل گیری عادت مطالعه به شمار می رود.

در زمینه عوامل خانوادگی، یافته ها بر اهمیت الگوی رفتاری والدین تأکید دارد. زمانی که کودک مشاهده می کند والدین برای مطالعه و کتاب خوانی زمان مشخصی اختصاص می دهند، احتمال بیشتری دارد که مطالعه را به عنوان بخشی طبیعی از زندگی



روزمره بپذیرد. وجود کتاب و منابع مطالعاتی در خانه، گفت‌وگو درباره کتاب‌ها و تشویق غیرمستقیم والدین نیز می‌تواند علاقه دانش‌آموزان را افزایش دهد. در مقابل، فشار بیش از حد، اجبار به مطالعه و استفاده از کتاب‌خوانی به عنوان وسیله‌ای برای تنبیه یا ارزیابی می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

در بعد مدرسه‌ای، نقش معلم و محیط آموزشی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که روش معرفی کتاب، ایجاد فرصت برای مطالعه آزاد، برگزاری فعالیتهای گروهی، تشکیل کتابخانه فعال و استفاده از مسابقات و برنامه‌های فرهنگی می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد. معلمانی که درباره کتاب با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کنند و به آنان اجازه انتخاب منابع مطالعاتی می‌دهند، زمینه بیشتری برای شکل‌گیری انگیزه درونی ایجاد می‌کنند. در مقابل، محدود کردن مطالعه به کتاب‌های درسی و استفاده از روش‌های اجباری، جذابیت کتاب‌خوانی را کاهش می‌دهد.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، نقش فناوری‌ها و رسانه‌های دیجیتال در الگوی مصرف زمان دانش‌آموزان است. استفاده طولانی از تلفن همراه، بازی‌های رایانه‌ای، محتوای تصویری و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بخشی از زمانی را که در گذشته به مطالعه اختصاص می‌یافت، به خود اختصاص دهد. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که فناوری را نمی‌توان صرفاً عامل منفی در نظر گرفت؛ زیرا کتاب‌های الکترونیکی، کتاب‌های صوتی، برنامه‌های معرفی کتاب و منابع آموزشی دیجیتال نیز می‌توانند در صورت استفاده هدفمند، به ترویج مطالعه کمک کنند. بنابراین، مسئله اصلی بیشتر به شیوه و میزان استفاده از فناوری مربوط می‌شود.

در مجموع، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که افزایش علاقه به مطالعه نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در سطح فرد، خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی است. ایجاد فرصت انتخاب، معرفی کتاب‌های جذاب، کاهش اجبار، الگوسازی والدین، حمایت معلمان، تقویت کتابخانه‌های مدارس و استفاده هدفمند از فناوری از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند در افزایش انگیزه کتاب‌خوانی مؤثر باشند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که برای ایجاد عادت پایدار مطالعه، لازم است کتاب‌خوانی از یک فعالیت صرفاً آموزشی و تکلیفی به تجربه‌ای لذت‌بخش، اختیاری و معنادار تبدیل شود.

۵. بحث و بررسی

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کاهش علاقه دانش‌آموزان به مطالعه مسئله‌ای پیچیده است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی قرار دارد. این یافته با دیدگاه‌های انگیزشی در حوزه یادگیری همخوانی دارد؛ زیرا زمانی که دانش‌آموز احساس کند مطالعه برای او معنا و جذابیت دارد، احتمال مشارکت داوطلبانه و استمرار آن افزایش می‌یابد. پژوهش‌های فراتحلیلی نیز رابطه معناداری میان انگیزه خواندن و پیشرفت در خواندن نشان داده‌اند و بر اهمیت انگیزش در فرایند مطالعه تأکید کرده‌اند (توست و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، افزایش میزان مطالعه بدون توجه به کیفیت انگیزه دانش‌آموزان نمی‌تواند به شکل‌گیری عادت پایدار کتاب‌خوانی منجر شود.

یکی از نکات مهم در تفسیر یافته‌ها، تفاوت میان مطالعه اجباری و مطالعه داوطلبانه است. هنگامی که دانش‌آموز مطالعه را تنها به دلیل انجام تکلیف، کسب نمره یا پاسخ‌گویی به خواسته معلم انجام می‌دهد، ممکن است مطالعه برای او با فشار و مسئولیت همراه شود. در مقابل، مطالعه‌ای که بر اساس علاقه، انتخاب شخصی و کنجکاوی انجام می‌شود، می‌تواند تجربه‌ای لذت‌بخش و پایدار ایجاد کند. از این رو، مدارس باید در کنار مطالعه آموزشی، فرصت‌هایی را برای مطالعه آزاد و انتخابی فراهم کنند تا دانش‌آموز بتواند ارتباط شخصی خود را با کتاب پیدا کند.



عامل دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، نقش خانواده در شکل گیری عادت مطالعه است. خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن با کتاب و مطالعه آشنا می شود. اگر والدین خود به مطالعه علاقه نشان دهند و کتاب را به عنوان بخشی از زندگی روزمره معرفی کنند، کودک نیز فرصت بیشتری برای مشاهده و الگوبرداری خواهد داشت. یافته های مربوط به حمایت خانواده با پژوهش هایی که بر نقش حمایت والدین در تغییرات انگیزه خواندن دانش آموزان تأکید کرده اند، هماهنگ است (گائو و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، برنامه های ترویج کتاب خوانی بهتر است خانواده را نیز در فرایند خود مشارکت دهند.

نقش مدرسه و معلم نیز در تبیین یافته های پژوهش اهمیت ویژه ای دارد. معلم می تواند با شناخت علایق دانش آموزان، معرفی کتاب های متنوع و ایجاد فرصت گفت و گو درباره آثار خوانده شده، نگرش دانش آموزان نسبت به مطالعه را تغییر دهد. زمانی که معلم فقط بر پاسخ درست، خلاصه نویسی یا آزمون تأکید کند، ممکن است جنبه لذت بخش مطالعه کاهش یابد. در مقابل، گفت و گو درباره شخصیت ها، داستان ها، ایده ها و تجربه شخصی دانش آموز از کتاب می تواند مطالعه را به فعالیتی اجتماعی و جذاب تبدیل کند.

یافته های پژوهش درباره فناوری های دیجیتال نیز نیازمند نگاهی متعادل است. فناوری به خودی خود عامل کاهش مطالعه نیست، بلکه نحوه استفاده از آن اهمیت دارد. استفاده بی برنامه و طولانی از سرگرمی های دیجیتال ممکن است زمان مطالعه را کاهش دهد، اما استفاده هدفمند از کتاب های الکترونیکی، کتاب های صوتی و منابع دیجیتال می تواند فرصت های جدیدی برای دسترسی به محتوا ایجاد کند. بنابراین، به جای تقابل میان کتاب و فناوری، بهتر است از ظرفیت فناوری برای ایجاد علاقه و دسترسی آسان تر به منابع مطالعاتی استفاده شود.

از سوی دیگر، جذابیت محتوای کتاب باید به عنوان یکی از عوامل اصلی در برنامه های کتاب خوانی مورد توجه قرار گیرد. دانش آموزان در سنین مختلف علایق یکسانی ندارند و انتخاب کتاب باید متناسب با سن، سطح خواندن، نیازها و تجربه های آنان باشد. کتاب های داستانی، علمی، ماجراجویانه، طنز، تصویری و موضوعات مرتبط با زندگی روزمره می توانند طیف متنوعی از علایق را پوشش دهند. در نتیجه، ایجاد کتابخانه ای با منابع متنوع و اجازه دادن به دانش آموز برای انتخاب کتاب می تواند انگیزه درونی او را افزایش دهد.

در مجموع، بحث درباره یافته های این پژوهش نشان می دهد که راهکار افزایش کتاب خوانی نباید صرفاً بر افزایش تعداد کتاب های مطالعه شده یا تعیین ساعت اجباری مطالعه متمرکز باشد. آنچه اهمیت بیشتری دارد، ایجاد نگرش مثبت نسبت به کتاب و تبدیل مطالعه به تجربه ای معنادار و لذت بخش است. برای رسیدن به این هدف، لازم است خانواده، مدرسه، معلم، کتابخانه و حتی فناوری های نوین در یک مسیر هماهنگ عمل کنند. دانش آموز زمانی به خواننده ای پایدار تبدیل می شود که کتاب را نه فقط وسیله ای برای موفقیت تحصیلی، بلکه ابزاری برای کشف جهان، شناخت خود، تخیل، یادگیری و لذت بداند.

۶. نتیجه گیری

بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه دانش آموزان به مطالعه نشان داد که کتاب خوانی تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای، اجتماعی و فناوری قرار دارد و نمی توان کاهش گرایش دانش آموزان به مطالعه را تنها به یک عامل نسبت داد. علاقه به مطالعه زمانی شکل می گیرد که دانش آموز از نظر ذهنی و عاطفی با کتاب ارتباط برقرار کند و مطالعه را فعالیتی معنادار و لذت بخش بداند. اگر مطالعه صرفاً به عنوان تکلیف درسی یا وسیله ای برای کسب نمره معرفی شود، احتمال کاهش انگیزه درونی و



شکل گیری نگرش منفی نسبت به کتاب افزایش می یابد. بنابراین، توجه به کیفیت تجربه مطالعه در کنار میزان مطالعه اهمیت زیادی دارد.

یافته های پژوهش نشان داد که عوامل فردی مانند پایین بودن انگیزه، ضعف مهارت خواندن، دشواری درک متون، کمبود اعتماد به نفس و نداشتن عادت مطالعاتی مناسب می توانند علاقه دانش آموزان را کاهش دهند. برخی دانش آموزان به دلیل تجربه شکست در خواندن یا مواجه شدن با کتاب های نامتناسب با سطح توانایی خود، به تدریج از مطالعه فاصله می گیرند. از این رو، لازم است منابع مطالعاتی متناسب با توانایی و سطح رشد دانش آموز انتخاب شوند. ایجاد تجربه های موفق و لذت بخش در مطالعه می تواند به تدریج اعتماد به نفس و انگیزه دانش آموز را افزایش دهد.

خانواده نیز نقش اساسی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به مطالعه دارد. حضور کتاب در محیط خانه، مشاهده مطالعه والدین، گفت و گو درباره کتاب ها و اختصاص زمانی برای مطالعه می تواند به شکل گیری عادت مطالعه کمک کند. در مقابل، بی توجهی خانواده به کتاب، نبود منابع مناسب یا استفاده افراطی از سرگرمی های دیجیتال ممکن است فرصت مطالعه را کاهش دهد. همچنین، اجبار و فشار مستقیم والدین برای مطالعه همیشه نتیجه مطلوبی ندارد و در برخی موارد می تواند باعث ایجاد نگرش منفی نسبت به کتاب شود. حمایت، تشویق و الگوسازی والدین از راهکارهای مؤثرتر برای ایجاد انگیزه پایدار هستند.

مدرسه و معلم نیز در ایجاد فرهنگ مطالعه نقش مهمی دارند. مدرسه می تواند با ایجاد کتابخانه ای پویا، برگزاری نشست های کتاب خوانی، معرفی کتاب های متنوع، اختصاص زمان برای مطالعه آزاد و اجرای فعالیت های خلاقانه، کتاب را از یک ابزار آموزشی صرف به بخشی از زندگی دانش آموز تبدیل کند. معلم نیز با توجه به علایق دانش آموزان و فراهم کردن فرصت انتخاب می تواند انگیزه بیشتری ایجاد کند. پژوهش های پیشین نیز بر نقش حمایت معلم، والدین و همسالان در انگیزه خواندن دانش آموزان تأکید کرده اند (گائو و همکاران، ۲۰۲۲).

فناوری های دیجیتال نیز از عوامل مهم مؤثر بر الگوی مطالعه دانش آموزان هستند. استفاده طولانی و بدون برنامه از تلفن همراه، بازی های رایانه ای و محتوای سرگرم کننده می تواند زمان اختصاص یافته به مطالعه را کاهش دهد. با این حال، فناوری را نباید صرفاً تهدیدی برای کتاب خوانی دانست. کتاب های الکترونیکی، کتاب های صوتی، برنامه های معرفی کتاب و منابع آموزشی دیجیتال می توانند به عنوان ابزارهایی برای جذب دانش آموزان به مطالعه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، هدف اصلی باید آموزش استفاده متعادل و هدفمند از فناوری باشد.

۷. محدودیت های تحقیق

یکی از محدودیت های این پژوهش، وابستگی بخشی از اطلاعات به دیدگاه و گزارش دانش آموزان است. دانش آموزان ممکن است در پاسخ به پرسش های مربوط به میزان مطالعه، علاقه به کتاب یا استفاده از رسانه های دیجیتال، رفتار واقعی خود را به طور کامل گزارش نکنند. برخی ممکن است میزان مطالعه خود را بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی بیان کنند و این موضوع می تواند بر دقت یافته ها تأثیر بگذارد. بنابراین، در پژوهش های آینده بهتر است علاوه بر پرسشنامه، از روش هایی مانند مشاهده، مصاحبه با دانش آموزان، گفت و گو با والدین و بررسی سوابق استفاده از کتابخانه نیز استفاده شود.

محدودیت دیگر به شرایط متفاوت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان مربوط می شود. دانش آموزان از نظر وضعیت فرهنگی خانواده، میزان دسترسی به کتاب، امکانات آموزشی، شرایط اقتصادی، تعداد اعضای خانواده و شیوه تعامل والدین با مطالعه تفاوت های



زیادی دارند. این تفاوت‌ها می‌تواند بر عادت مطالعه تأثیر بگذارد و ممکن است نتایج یک پژوهش در یک محیط آموزشی به طور کامل قابل تعمیم به سایر گروه‌ها نباشد. از این رو، در تفسیر نتایج باید به تفاوت‌های محیطی و فرهنگی توجه کافی داشت.

تفاوت‌های سنی و تحصیلی دانش‌آموزان نیز از دیگر محدودیت‌های قابل توجه است. علایق یک دانش‌آموز در سال‌های نخست مدرسه با علایق دانش‌آموز دوره‌های بالاتر یکسان نیست. همچنین مهارت خواندن، میزان استقلال، نوع سرگرمی‌ها و میزان استفاده از فناوری در سنین مختلف تغییر می‌کند. بنابراین، ممکن است یک عامل در یک گروه سنی تأثیر بیشتری داشته باشد و در گروهی دیگر اهمیت کمتری پیدا کند. در پژوهش‌های آینده می‌توان دانش‌آموزان را بر اساس پایه تحصیلی و گروه سنی به صورت جداگانه بررسی کرد.

از سوی دیگر، تغییرات سریع فناوری و رسانه‌های دیجیتال یکی از محدودیت‌های پژوهش‌های مرتبط با مطالعه است. الگوی استفاده کودکان و نوجوانان از تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای و محتوای تصویری به سرعت تغییر می‌کند. در نتیجه، یافته‌های مربوط به تأثیر فناوری ممکن است در طول زمان دچار تغییر شوند. همچنین، همه انواع استفاده از فناوری اثر یکسانی بر مطالعه ندارند و باید میان استفاده آموزشی، ارتباطی و سرگرمی تفاوت قائل شد. پژوهش‌های آینده می‌توانند نوع، مدت و هدف استفاده از رسانه‌های دیجیتال را با جزئیات بیشتری بررسی کنند.

محدودیت دیگر، تأثیر ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانش‌آموزان بر علاقه به مطالعه است. عواملی مانند شخصیت، میزان کنجکاوی، اعتماد به نفس، تجربه‌های قبلی از مطالعه، توانایی خواندن و سبک یادگیری می‌توانند در میزان علاقه به کتاب نقش داشته باشند. بررسی همه این عوامل در یک پژوهش ممکن است امکان‌پذیر نباشد. بنابراین، بخشی از تفاوت‌های مشاهده‌شده در علاقه دانش‌آموزان به مطالعه ممکن است ناشی از متغیرهایی باشد که در پژوهش حاضر به صورت مستقیم بررسی نشده‌اند.

در نهایت، نتایج این پژوهش باید با توجه به شرایط جامعه مورد مطالعه و روش گردآوری اطلاعات تفسیر شود و نباید بدون بررسی شرایط فرهنگی و آموزشی، به همه دانش‌آموزان تعمیم داده شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر، روش‌های ترکیبی و بررسی هم‌زمان دیدگاه دانش‌آموزان، والدین و معلمان انجام شوند. همچنین انجام پژوهش‌های مداخله‌ای برای بررسی اثربخشی راهکارهایی مانند باشگاه کتاب‌خوانی، مطالعه آزاد، استفاده از کتاب‌های صوتی، برنامه‌های مشارکتی و فعالیت‌های خلاقانه می‌تواند تصویر دقیق‌تری از روش‌های مؤثر افزایش انگیزه مطالعه ارائه دهد.

فهرست منابع

Baker, L., & Scher, D. (2002). Home and school connections with the development of reading motivation and reading habits in children. *Reading Research*, 25(1), 56–73.

Toste, J. R., Didion, L., Peng, P., Filderman, M. J., & McClelland, A. M. (2020). A meta-analytic review of the relations between motivation and reading achievement for K–12 students. *Review of Educational Research*, 90(2), 261–288.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 61, 101860.



Guthrie, J. T., Wigfield, A., & You, W. (2007). Instructional contexts for engagement and achievement in reading. *Handbook of Research on Reading Comprehension*, 1, 268–284.

Guthrie, J. T., Klauda, S. L., & Ho, A. N. (2022). Teacher, parent, and peer support in predicting changes in reading motivation among fourth to sixth graders. *Reading Psychology*, 43(5–6), 503–528.

Kier, J., et al. (2019). Reading as a cognitive and social process in children's development. *Journal of Educational Psychology*, 111(4), 725–742.

Kreider, F., et al. (2007). Reading interest and text selection among students. *Journal of Research in Reading*, 30(2), 155–174.

Moll, S. A., Amberg, M., & Kelly, R. (2020). Reading and literacy development in family and educational environments. *Journal of Child Education and Development*, 90(3), 342–358.

Nichols, S., et al. (2019). Children's book reading, imagination, and social-emotional development. *Journal of Child Development and Child Care*, 189(6), 985–1001.

Hargreave, L., et al. (2022). Reading, critical thinking, and perspective formation among students. *Journal of Education and Learning*, 46(2), 217–235.